

Sanction Against Iran's Central Bank as Economic Terrorism¹

Mohammad Alidost¹, Masoud Raei², Alireza Arashpour³

1. Ph.D., Student of international law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
(Corresponding author). mohammad_alidost@yahoo.com

2. Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
masoudraei@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Law, Isfahan University, Isfahan, Iran. Ase.ui.ac.ir@A.arashpour

Abstract

The purpose of the present research is to study sanction against Iran's Central Bank as an act of economic terrorism. In this regard, the main research question is whether immunity deprivation of the Central Bank can be considered as evidence of economic terrorism. The research method is descriptive-analytic and the results indicate that deprivation of the funds immunity of Iran's Central Bank has led to lack of services to people. As a result, the government can not perform their economic rights completely. Blocking governmental funds definitely impedes economic purposes because increasing inflation as well as recession and weakness of economic security have caused high pressure on the middle class who can be the main seekers of human rights. Furthermore, immunity deprivation of Iran's Central Bank and governmental funds is considered as an evident interference in the countries' internal and external affairs and violation of chapter 7 of article 2 that makes the government incapable to accomplish its duties and responsibilities. One of the important subjects to avoid harm to the citizens and violation of economic security is to prevent legislative anomalies. Therefore, deprivation of governmental funds immunity is effective on the state's incapability and inefficiency and prevents the fulfilment of economic security. All these instances can be approved as cases of economic terrorism in the international system and violate the commitments mentioned in chapter 3 of article 2 in the charter of the United Nations. It can intensify international pressure against the country due to threatening peace and global security which are the main objectives of the international contemporary community to preserve. Immunity deprivation of the Central Bank can be considered as a component of violation of economic governance.

Keywords: Economic Terrorism, Iran's Central Bank, Dstraint, Economic Governance, Sanction.

1. Received: 2022/04/11 ; Revised: 2022/05/05 ; Accepted: 2022/05/23 ; Published online: 2022/09/23

DOI: 10.22034/sm.2022.551743.1858

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تحریم بانک مرکزی ایران به مثابه تروریسم اقتصادی^۱

محمد عالی دوست^۱، مسعود راعی^۲، علیرضا آرشپور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).

mohammad_alidost@yahoo.com

۲. استاد، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. masoudraei@gmail.com

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. A.arashpour@Ase.ui.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تحریم بانک مرکزی ایران به مثابه تروریسم اقتصادی است. در این راستا، سوال اصلی پژوهش این است که آیا نقض مصونیت بانک مرکزی را می‌توان از مصادیق تروریسم اقتصادی برشمرد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که سلب مصونیت اموال بانک مرکزی ایران، موجب نقض ارائه خدمات به مردم شده است. در نتیجه، دولت نمی‌تواند حقوق اقتصادی مردم را به طور کامل ایفا نماید. بازداشت اموال دولتی به طور مشخص مانع تحقق این اهداف می‌گردد؛ زیرا افزایش تورم، رکود و تضعیف امنیت اقتصادی، موجب فشار زیادی بر طبقه متوسط شده که می‌توانند مطالبه‌گر اصلی حقوق بشر باشند. همچنین، نقض مصونیت بانک مرکزی و اموال دولتی، مداخله آشکار در امور داخلی و خارجی کشورها و ناقض بند ۷ ماده ۲ منشور است. در نتیجه این نقض، دولت از انجام وظایف و تکالیف خود ناتوان می‌گردد. از موضوعات مهم تلاش برای آسیب ندیدن شهروندان و عدم نقض امنیت اقتصادی، جلوگیری از ناهنجاری‌های حقوقی است. بنابراین، سلب مصونیت اموال دولتی در ناتوانی و ناکارآمدی دولت در تحقق امنیت اقتصادی مؤثر است. همه این موارد را می‌توان به عنوان تروریسم اقتصادی در نظام بین‌الملل به اثبات رساند. تروریسم اقتصادی به هر طریقی، ناقض تعهدات بیان شده در بند ۳ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد می‌باشد که می‌تواند عاملی برای تشدید فشارهای بین‌المللی و به دلیل به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی باشد که حفظ و نگهداری آن هدف اصلی جامعه بین‌المللی معاصر می‌باشد. نقض مصونیت بانک مرکزی را می‌توان از مولفه‌های نقض حاکمیت اقتصادی کشورها به شمار آورد.

واژه‌های کلیدی: تروریسم اقتصادی، بانک مرکزی ایران، توقیف اموال، حاکمیت اقتصادی، تحریم.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2022.551743.1858

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

کنش‌گری دولت‌ها در نظام بین‌الملل از رهگذر نهادهای متعدد در ساحت‌های اقتصادی، سیاسی و ورزشی رخ می‌دهد. مهم‌ترین نهاد فعال در فضای کنش‌گری اقتصادی دولت‌ها در سطح نظام بین‌الملل، بانک مرکزی است. واژه «بانک مرکزی» وظایف و اختیارات این بانک را توصیف می‌کند و ماهیت بانک مرکزی به‌طور مستقیم با وظایف آن در ارتباط است. این ارتباط، به این شیوه انجام می‌شود که بانک‌های مرکزی به‌طور معمول حساب‌هایی در بانک‌های خارجی از جمله بانک‌های مرکزی خارجی، افتتاح می‌کنند. بانک‌های مرکزی که دارایی‌های بااهمیت سایر بانک‌های مرکزی را نگهداری می‌کنند عبارتند از: بانک فدرال رزرو نیویورک (فدرال رزرو)، بانک‌های مرکزی انگلیس، فرانسه، آلمان، ژاپن، کانادا، استرالیا، چین و کره. حساب‌های ۲۵۰ بانک مرکزی و کشور خارجی تقریباً ۳/۳ تریلیون دلار است که در فدرال رزرو قرار دارد، مبلغی که معادل نیمی از ذخایر رسمی دلار در جهان می‌باشد (See: International Federal Reserve Bank of New York, 2017). شاید قوی‌ترین انگیزه داشتن حساب در فدرال رزرو، این باشد که این بانک تنها بانکی است که دسترسی مستقیم به بازارهای بدهی آمریکا و دلار آمریکا را ارائه می‌دهد (Spicer, 2017).

شکل قانونی و اقدامات واقعی انجام شده توسط بانک‌های مرکزی در سطح جهان متفاوت است و در طول زمان نیز تغییر می‌کند. برای مثال، امروزه بانک‌های مرکزی پول بیشتری در بازار سهام سرمایه‌گذاری می‌کنند و بعضی از بانک‌های مرکزی حتی وجوه صندوق ملی سلطنتی خود را کنترل و مدیریت می‌کنند.^۱ حفاظت از دارایی‌های بانک مرکزی، به نهادهایی که شکل خاصی از مشارکت دارند یا دارای عنوان «بانک مرکزی» هستند محدود نمی‌شود، بلکه حقوق بین‌الملل از نهادهایی که وظایف بانک مرکزی را انجام می‌دهند و به‌عنوان نهاد پولی دولتی عمل می‌کنند، حمایت می‌کند.

تحولات حقوقی و عملیات بانکداری مرکزی اغلب منجر به تغییراتی حقوقی حاکم بر مصونیت شده

۱. مثال‌های آن عبارتند از: بوتسوانا، شیلی، چین، ژاپن و نروژ. همچنین ر.ک:

A. Hahn, "State immunity and veil piercing in the age of sovereign wealth funds", (2012), *Revue Suisse de Droit des Affaires et du Marche Financier*, 103, 106-07 (Switz.); D. March, "Dangers of central banks, public investments", *USA TODAY*, 15 June 2014, <https://b2n.ir/m23356>.

D. Gaukrodger, "Foreign state immunity and foreign government-controlled investors", *OECD Working Papers on International Investment*, Feb. 2010; <http://dx.doi.org/10.1787/5km91p0ksqs7-en>.

است؛ مثلاً تغییر استقلال بانک مرکزی منجر به تغییر نحوه دسته‌بندی اهداف مصونیت توسط بانک‌های مرکزی شده است. از اواسط قرن بیستم، بانک‌های مرکزی استقلال بیشتری از دولت پیدا کرده‌اند که شناسایی بانک‌های مرکزی به‌عنوان نهادهای خارجی یا سایر نهادهای دارای مصونیت را مشکل کرده است. در نتیجه، اموال بانک مرکزی به‌دلیل آنکه در جهت فعالیت‌ها و عملیات‌های خاص این بانک به‌کار گرفته می‌شوند، از مصونیت برخوردار هستند؛ صرف‌نظر از اینکه فعالیت مذکور ماهیتی غیرتجاری داشته یا تجاری باشد. با توجه به مطالبی که بیان شد، در این پژوهش در پی آن هستیم که اثبات کنیم نقض مصونیت بانک مرکزی و توقیف اموال آن، نوعی تروریسم اقتصادی تلقی می‌شود، چرا که اقتصاد کشور تابع بانک مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و خطرات انسانی بسیاری را برای مردم آن کشور به‌وجود می‌آورد.

۲. تروریسم اقتصادی

تروریسم، فعالیت‌های عاملان دولتی یا غیردولتی است که در کوشش‌هایشان برای دستیابی به اهداف سیاسی، از روش‌ها و وسایل خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند. شیوه‌های به‌کار برده شده توسط تروریست‌ها عبارتند از: هواپیمارمایی، گروگان‌گیری، خرابکاری، بمب‌گذاری، بانک‌زنی، آدم‌ربایی سیاسی و آدم‌کشی (پلینو و آلتون، ۱۳۸۵: ص ۲۴۳). با توجه به تعریف پیش‌گفته از تروریسم، می‌توان گفت «تروریسم اقتصادی»^۱ به ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی توسط یک گروه مبادرت می‌کند. این امر می‌تواند موجب اقدامات بی‌ثبات‌کننده متنوع، هماهنگ و پیچیده یا گسترده برای از بین بردن ثبات اقتصادی و مالی یک دولت شود. این اقدامات چنانچه به وقوع بپیوندند، ممکن است خشونت‌آمیز یا غیر آن باشند و می‌توانند تأثیرات آنی یا اثرات روانی داشته باشند که به‌نوبه خود، عواقب اقتصادی نیز در بر خواهند داشت. این اقدامات، هزینه‌های بیشتری را برای صادرات و واردات تحمیل می‌کنند و اقتصادهای نوظهور اغلب تحت تأثیر قرار می‌گیرند؛ زیرا کاهش صادرات و واردات، بر توانایی کشور در مبارزه با فقر تأثیر می‌گذارد. افزایش فقر می‌تواند موجب شورش در میان مردم و بی‌ثباتی احتمالی سیاسی شود و حتی موجب افزایش بیشتر فقر گردد.

اصلی‌ترین دلیل پیدایش تروریسم اقتصادی، عوامل سیاسی می‌باشد. در بین عواملی که سبب ظهور و گسترش تروریسم اقتصادی شده‌اند، هیچ‌کدام به اندازه عوامل سیاسی مهم و تأثیرگذار نبوده است. به عبارت دیگر، شرایط سیاسی است که زمینه ظهور تروریسم اقتصادی را فراهم می‌آورد. به هر حال، بعضی

عوامل سیاسی نظیر حمایت کشورها از تروریسم، بی‌ثباتی سیاسی، دولت‌های ورشکسته و سیاست ابرقدرت‌ها در قبال کشورهای جهان سوم پس از جنگ سرد، سبب تسریع روند شکل‌گیری تروریسم اقتصادی شده و نقش یک کاتالیزور را برای سایر عوامل پیدایش تروریسم اقتصادی بازی می‌کنند. در دوران جنگ سرد، کشورهای جهان سوم مورد توجه دو ابرقدرت آمریکا و شوروی قرار گرفتند. آمریکا برای سد نفوذ شوروی، بیشترین کمک‌ها را در اختیار کشورهای جهان سوم قرار داد، اما پس از سقوط شوروی، کشورهای جهان سوم اهمیت سابق خود را از دست دادند و مورد بی‌توجهی تنها ابرقدرت جهان واقع شدند. شکاف میان کشورهای غنی و فقیر در طول ۲۰ سال گذشته جهانی شدن یا به عبارت دقیق‌تر، روایت آمریکایی جهانی شدن افزایش یافته و خصومت علیه آمریکا در میان فقرای جهان بیشتر شده است (جزایری، ۱۳۹۲: ص ۶۴). پس از سقوط شوروی، نظم نوین جهانی از سوی آمریکا ارائه شد (روفن، ۱۳۹۱: ص ۶۴). نظم نوین جهانی به این اشاره می‌کند که جهان خارج از شمال، بربر و وحشی هستند؛ حال آنکه مسئولیت جنگ‌ها و افراط‌گرایی‌های جهان سوم تا اندازه‌ای بر عهده کشورهای شمال است. با این حال پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، آمریکا برای مقابله با تروریسم و ایجاد امنیت برای شهروندانش، به این نتیجه رسید که باید به حل مشکلات مابقی جهان به‌خصوص کشورهای خاورمیانه که با فقر، بی‌سوادی و تروریسم مواجه‌اند، توجه نماید (همان)، اما این توجه نیازمند تبعیت کشورهای جهان سوم از آمریکا بود. عدم تبعیت کشورهای جهان سوم موجب اقدامات مختلفی همچون تحریم‌های یک‌جانبه، جلوگیری از مراودات تجاری دولت‌ها، توقیف اموال و غیره شد که مصداق بارز تروریسم اقتصادی می‌باشند.

در بسیاری از مواقع دیده شده که کشوری برای تأمین منافع ملی خود و ضربه‌زدن به دشمنانش، از تروریسم اقتصادی علیه آن کشور حمایت کرده است. برای مثال، اتحادیه اروپا یا کشورهای همسو با ایالات متحده آمریکا، از تروریسم اقتصادی این کشور علیه ایران حمایت کرده و بر تحریم‌های یک‌جانبه این کشور علیه ایران و سایر کشورها صحه گذاشته‌اند. البته دولت‌های دخیل در تروریسم اقتصادی در اکثر مواقع می‌توانند احترام و مشروعیت خود را در جامعه بین‌المللی حفظ کنند و در عین حال، مخفیانه برای دستیابی به اهداف خود، فعالیت‌های تروریستی را تأمین مالی کرده و مورد پشتیبانی قرار دهند (دردریان و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۲۰۳).

۳. نقض مصونیت بانک مرکزی

فارغ از تحمیل تحریم‌های مختلف علیه ایران به دلیل برنامه هسته‌ای، آمریکا با ادعای حمایت ایران از

سازمان‌های تروریستی و نقض حقوق بشر، به صورت یک‌جانبه اقدام به بلوکه کردن برخی اموال ایران به‌ویژه بانک مرکزی در این کشور کرد. آمریکا مهم‌ترین دلیل بلوکه کردن اموال بانک مرکزی را دخالت ایران در فعالیت‌های تروریستی که بر مبنای دسته‌بندی وزارت خارجه آمریکا به‌عنوان حامی تروریست شناخته شده، عنوان می‌کند.^۱ چارچوب اقدامات ضدتروریستی آمریکا علیه ایران به سال ۱۹۸۳ و زمانی که آمریکا هدف حملات انتحاری حزب‌الله لبنان به افسران ارتش آمریکا در بیروت قرار گرفت، برمی‌گردد. در این حمله ۲۴۱ نفر از اعضای ارتش آمریکا کشته شدند و این حادثه، پرتلفات‌ترین حمله تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر بود (Grandaubert, 2016). آمریکا بعدها و در پاسخ به سایر حملات تروریستی، در دادگاه‌های داخلی با اتخاذ اقدامات اجرایی و قانونی علیه دولت‌های حامی تروریست، به قربانیان حملات تروریستی اجازه می‌داد تا با تضمین حق شخصی برایشان جهت اقدام علیه این دولت‌ها، تسکین پیدا کنند. به‌علاوه دولت آمریکا برای بلوکه کردن سرمایه‌های متعلق و یا منتسب به این دولت‌ها در داخل خاک آمریکا نیز اقداماتی انجام داد. اولین گامی که در این راه برداشته شد این بود که با ارائه اصلاحیه‌ای در سال ۱۹۶۶ (که بعدها در سال ۲۰۰۸ گسترش داده شد)، استثنای تروریسم را وارد فرمان مصونیت قدرت‌های خارجی که در سال ۱۹۷۶ تصویب شد (FSIA)، کرده و به این ترتیب هر نوع مصونیت در مورد دادرسی مربوط به تروریسم را رفع نمود (General exceptions to the jurisdictional immunity of a foreign state)، چرا که این فرمان، اجازه قضاوت در مورد اموال متعلق به دولت‌های حامی تروریسم و یا واحدهای قضایی جداگانه را می‌داد (28 U.S.C. § 1610 - U.S. Code). فرمان بیمه خطر تروریسم ۲۰۰۲ (TRIA) اظهار می‌دارد می‌توان سرمایه‌های بلوکه‌شده گروه تروریستی، از جمله دولت‌هایی که از تروریسم حمایت مالی می‌کنند را مورد رسیدگی قضایی قرار داد (Terrorism Risk Insurance Act (TRIA), H.R. 3210).

در سال ۲۰۱۲ اعلام شد که براساس فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ (Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institution)، تمام اموال متعلق به ایران و نهادهای مالی ایرانی بلوکه شده است. اقدامات صورت‌گرفته در سال ۲۰۱۲ منجر به توقیف سرمایه‌های بلوکه‌شده ایران در آمریکا که ارزش آن به دو میلیارد دلار آمریکا می‌رسید، شد. طی چندین سال، تعداد قابل‌توجهی از پرونده‌های علیه ایران و مرتبط با اقدامات تروریستی، در دادگاه‌های آمریکا مورد رسیدگی قرار گرفت

۱. اسامی کشورهای حامی تروریسم در سایت <http://www.state.gov/j/ct/list/c14151.htm> قابل دسترس است.

(ICJ, Certain Iranian Assets) که معروف‌ترین آن‌ها، پرونده پترسون و ایران بود که براساس حملات تروریستی بیروت در سال ۱۹۸۳ مطرح شده بود (US Supreme Court). از طرف دیگر، قانون کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه که در سال ۲۰۱۲ تصویب شد (ITRSHRA)، سرمایه‌ها و دارایی‌هایی را که باید مورد رسیدگی قرار گیرند، فهرست کرده و صریحاً به پرونده پترسون علیه ایران اشاره می‌کند.

۴. ماهیت حقوقی بانک مرکزی

شرکت‌های ایرانی متعلق به دولت ایران، به‌عنوان دارایی ملی (Bank Markazi, US Amicus Curiae Brief) شناخته می‌شوند و شرکت‌هایی که در مفهوم معاهده مودت می‌گنجند، از حمایت سرمایه‌گذاری تحت شروط این معاهده بهره می‌برند.^۱ این معاهده، شرکت‌ها را به‌عنوان بنگاه‌ها، مؤسسات و سایر نهادهایی که برای رسیدن به منافع مالی راه‌اندازی شده‌اند، تعریف می‌کند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا واژه «شرکت»، شامل نهادهای تحت مالکیت دولت نیز می‌باشد؟ بحثی که دپارتمان دادگستری آمریکا در خلاصه رأی دادگاه مربوط به پرونده بانک مرکزی و پترسون نزد دادگاه عالی آمریکا، آن را به چالش کشید (Bank Markazi, US Amicus Curiae Brief). بر این اساس، در تعریف عهدنامه مودت از «شرکت‌ها»، به آژانس‌ها یا واسطه‌های دولتی هیچ اشاره‌ای نداشته و طبیعتاً شامل هیچ آژانس دولتی که عملکردهای خودمختار را اجرا می‌کند، نمی‌شود. در عین حال، در جای دیگری از عهدنامه «آژانس‌ها و واسطه‌های دولتی» را جزء دسته تشکیلات اقتصادی مطرح کرده و اغلب با واژه «شرکت» هم‌معنا هستند (Garner, 2014: p.648).

به این ترتیب، عهدنامه مشخص نکرده است که آیا بانک مرکزی نیز می‌تواند «شرکت» محسوب شود یا خیر، اما رویه قضایی به این پرسش پاسخ مثبت می‌دهد. به عنوان مثال، در پرونده CSOB و کشور اسلواکی، اسلواکی معتقد بود که بنابر ماده ۲۵ (۲) معاهده ICSID بانک متعلق به دولت، شرکت محسوب نمی‌شود، بلکه آژانس دولتی محسوب می‌شود (Ceskoslovenska obchodni banka). از نظر قضات این

۱. شامل ماده دوم (۱) (تعیین وضعیت دادرسی شرکت‌ها)؛ ماده سوم (۲) (آزادی شرکت‌ها در دسترسی به دادگاه‌ها)؛ ماده چهارم (۲) (تطابق معاهده عدل و انصاف با ملت‌ها و شرکت‌ها)؛ ماده ششم (۲) (اموال ملت‌ها و شرکت‌ها از پایدارترین امنیت و حفاظت بهره‌مند خواهند شد).

پرونده، حتی اگر بانک در حال اجرای سیاست‌های یک دولت باشد یا به دنبال اهداف دولت یک کشور باشد، فعالیت‌های بانک ذاتاً و ضرورتاً تجاری هستند تا دولتی (Ibid, Para. 20).

با توجه به آنچه گفته شد و وضعیت، فعالیت‌ها و عملکردهای قانونی بانک مرکزی، فعالیت بانک شامل وظایف عالی همچون تدوین و اجرای سیاست‌های اعتباری و پولی کشور می‌باشد و بانک مرکزی نه تنها متعلق به دولت ایران است، بلکه وظایف عالی نیز بر عهده دارد. در عین حال، این بانک به عنوان یک نهاد قانونی که قوانین مربوط به شرکت‌های سهام مشترک در آن اجرا می‌گردد نیز در نظر گرفته می‌شود و قوانین کلی که در مورد وزارتخانه‌ها، بنگاه‌ها و آژانس‌های دولتی اعمال می‌شود، در مورد آن اعمال نمی‌گردد. این موضوع، این بانک را به شرکتی که براساس قوانین و مقررات قابل اعمال ایران تحت ماده ۳ معاهده مودت شکل گرفته است، تبدیل می‌کند.

اما آمریکا استدلال می‌کند که بانک مرکزی ایران به این دلیل که اعمال صرفاً حاکمیتی را انجام می‌دهد و به فعالیت‌های ماهیتاً تجاری نمی‌پردازد، اساساً «شرکت» در مفهوم مواد ۳، ۴ و ۵ عهدنامه مودت محسوب نمی‌شود. آمریکا برای اثبات مدعای خود به «قانون پولی و بانکی ایران (۱۳۳۹)» اشاره می‌کند که بانک مرکزی را تحت کنترل کامل دولت ایران می‌داند و کارکردهای صرفاً حاکمیتی به آن اعطاء می‌نماید و اینکه بانک مرکزی حتی به عنوان نماینده ایران، در سازمان‌های بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول حاضر می‌شود (Certain Iranian Assets).

در پاسخ به این ادعای آمریکا باید بیان کرد که موجودیت‌هایی که به طور جزئی یا کلی تحت مالکیت دولت هستند، می‌توانند «شرکت» در مفهوم عهدنامه مودت قلمداد شوند و این واقعیت که دولت، فعالیت‌های بانک را هدایت و به دقت کنترل می‌کند، به خودی خود اثبات‌کننده این نیست که آن بانک از شمول مفهوم «شرکت» در معنای عهدنامه مودت خارج می‌شود. مؤسسه‌ای که فعالیت‌های صرفاً حاکمیتی و مرتبط با کارکردهای حاکمیتی دولت را انجام می‌دهد، نمی‌تواند به عنوان «شرکت» در مفهوم عهدنامه مودت قلمداد شده و از حقوق و مزایای پیش‌بینی شده در آن عهدنامه بهره‌مند شود (Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019). به عبارت دیگر، نوع فعالیت هر مؤسسه یا موجودیت، تعیین‌کننده خواهد بود. از این رو، حتی اگر اشتغال اصلی یک شخص حقوقی، ماهیت اقتصادی نداشته باشد، اما تا جایی که این شخص فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهد، «شرکت» در معنای عهدنامه مودت قلمداد می‌شود (Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019).

رابطه بین بانک مرکزی و دولت همچنین می‌تواند بحث‌هایی درباره اینکه چه چیزی جزء اموال بانک مرکزی است، ایجاد کند. برای مثال، در «شرکت شرکای سرمایه AIG قزاقستان» پول نقد و اوراق بهادار متعلق به صندوق ملی قزاقستان، طبق توافق امانی جهانی انجام شده توسط بانک مرکزی قزاقستان، در انگلستان نگهداری می‌شود (AIG Capital Partners (n 53), paras. 9-10). این دارایی‌ها جزء صندوق ملی است، اما بانک مرکزی مسئول مدیریت آن‌ها می‌باشد. دادگاه این دارایی‌ها را به‌عنوان اموال بانک مرکزی مصون دانسته است؛ زیرا طبق UK SIA، این عبارت به معنی دارایی‌هایی است که در آن‌ها بانک مرکزی نوعی منفعت دارد، بدون توجه به سمتی که بانک مرکزی آن را نگه می‌دارد و اینکه آیا بانک مرکزی منفعت دیگری از آن اموال دارد یا خیر.^۱ فعالیت‌های صندوق‌های ثروت سلطنتی عموماً به‌عنوان فعالیت‌های تجاری شناخته می‌شوند، به طوری که دارایی‌های آن‌ها در صورت نبود منفعت بانک مرکزی، می‌تواند مشمول توقیف شود (Tejera, 2016).

دادگاه‌ها میان اعمال حاکمیت و اعمال تصدی بانک مرکزی، قائل به تفکیک شده‌اند. در پرونده‌ای^۲، بانک مرکزی ویتنام برای تأمین مالی یک نهاد دولتی اقدام به صدور اعتبارات اسنادی نموده و در سررسید، محل آن را تأمین نکرد. وزارت کشور ایالات متحده چنین نتیجه‌گیری کرد که اموال بانک مرکزی برای مقاصد دولتی (اعمال حاکمیت) به کار گرفته شده است. برعکس، در پرونده دیگری^۳ بانک از اجرای تعهدات خود در قبال صدور اعتبارات اسنادی که به درخواست دولت نظامی نیجریه صادر شده بود، خودداری نمود. دادگاه تجدیدنظر انگلیس، دفاع بانک مبنی بر مصونیت را رد کرد. بانک مذکور ادعا می‌کرد که وابسته به دولت است، اما دادگاه اظهار داشت که بانک مرکزی رکنی از ارکان دولت نیجریه نیست و به همین دلیل نمی‌تواند برای استفاده از مصونیت، مدعی عدم استقلال از دولت شود.

دادگاه‌ها در مواردی که بانک‌های مرکزی به‌عنوان بانک دولت یا در راستای سایر اعمال حاکمانه اقدام می‌کنند، بر مصونیت بانک مرکزی، همانند دولت، نظر داده‌اند. در مقابل، هر جا که بانک مرکزی

۱. قانون مصونیت چین، اموال بانک مرکزی را به این صورت تعریف می‌کند: «پول نقد، اسکناس، سپرده بانکی، اوراق بهادار، ارز خارجی، ذخایر طلای بانک‌های مرکزی خارجی، اموال منقول بانک‌ها و سایر اموال». ر.ک. ماده ۲ قانون مصونیت چین.

2. Battery Steamship Corp. v. Republic of Vietnam, 1972.

3. Trendtex Trading Corp. v Central Bank of Nigeria 1QB 529, (1977) 1 All ER 1977

فعالیت‌های تجاری ولو به نمایندگی از دولت انجام داده باشد، از قائل شدن چنین مصونیتی برای بانک مرکزی خودداری کرده‌اند. برای مثال، در هر مورد که بانک مرکزی اقدام به صدور اعتبار اسنادی یا بروات تجاری^۱ می‌کند، وضعیت اخیر برقرار است. زمانی که بانک مرکزی فعالیت‌های تجاری انجام می‌دهد، مشمول قواعد حاکم بر این روابط می‌باشد. حمایت از تجاری که طرف قرارداد بانک مرکزی قرار می‌گیرند، مانع از آن می‌شود که بانک مرکزی با وجود فعالیت تجاری، از امتیازاتی بهره‌مند شود که سایر تجار از آن برخوردار نیستند. ارائه معیار برای اعمال حاکمیت از آن جهت ضروری می‌نماید که این اعمال، در رویه قضایی کشورهای مختلف با همدیگر تفاوت دارد و در قبال استناد کشورهای جهان سوم به مصونیت ناشی از اعمال حاکمیت، دادگاه‌ها و مراجع داوری در کشورهای پیشرفته، تفسیر مضیقی از مفهوم و مصادیق اعمال حاکمیت ارائه داده‌اند. به‌طور کلی، این مفهوم به شدت تحت تأثیر معیارهایی قرار دارد که در اروپا طرح شده‌اند (Asiedu-Akrofi, 1990: p. 277). اعمالی که دولت همانند سایر شهروندان انجام می‌دهد، مانند فعالیت‌های اقتصادی، در زمره اعمال حاکمیت نیست؛ حال آنکه امنیت، قانونگذاری و امور خارجه به‌طور مستقیم با اعمال حاکمیت ارتباط می‌یابند. بر همین اساس، مفهوم اروپایی از حقوق خصوصی و حقوق عمومی ارائه شده و قواعد و مفاهیم حقوق بین‌الملل را هم تحت تأثیر قرار داده است (Harlow, 1980: p.43).

در برخی از کشورها، فقدان معیار متحدالشکل برای تفکیک اعمال عمومی و خصوصی منجر به ارائه تعریفی موسع از فعالیت‌های تجاری شده است. برای مثال، در ایالات متحده بخش ۱۶۰۳ قانون مصونیت دولت خارجی،^۲ عمل تجاری را به فرآیند معمول تجارت یا معاملات خاص تعریف می‌کند. مطابق با بند (۱) (ب) ۱۶۱۱ از قانون مذکور، دارایی بانک مرکزی خارجی در صورتی مشمول مصونیت خواهد بود که بانک مذکور مالک آن بوده، آن دارایی در حساب خود بانک قرار داشته و نسبت به آن از مصونیت عدول نشده باشد. معیار اول به‌عنوان عاملی مبهم و مسئله‌ساز ارزیابی شده است (Patrikis, 1982: p.273). در بیان قید اول، به این موضوع مهم توجه نشده که بانک‌های مرکزی گاه مبالغی را به‌عنوان دارایی خود، در حساب خویش و برای اهداف کاملاً تجاری مانند دادن وام در بازار سرمایه نگهداری می‌کنند. در چنین

1. Commercial bills

2. Foreign Sovereign Immunities Act [FSIA]

مواردی، هیچ دلیلی برای قائل شدن مصونیت وجود ندارد. بنابراین مطلق بودن معیار اول، با فلسفه قانون مصونیت دولت خارجی مغایرت دارد. در تحلیل مفهوم «اموالی که در حساب خود بانک مرکزی نگهداری می‌شود»، گفته شده که منظور از آن وجوهی است که برای فعالیت‌های بانک مرکزی به کار گرفته شده یا نگهداری می‌شوند و با وجوهی که صرفاً برای معاملات تجاری یا مالی دیگر اشخاص یا دولت خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرند، تفاوت دارد (Asiedu -Akrofi, 1990: p.280). این تحلیل براساس هدف از نگهداری حساب استوار است. حال آنکه نظام پولی بانک مرکزی، از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و ارائه اوصافی واحد که میان بانک‌های مرکزی مختلف مشترک باشد، به‌سختی امکان‌پذیر است.

۵. نقض مصونیت بانک مرکزی و توسل به اجبار اقتصادی

نقض مصونیت بانک مرکزی و توقیف اموال آن را می‌توان نوعی اجبار اقتصادی تلقی کرد که کشور میزبان به‌منظور اجبار کشور تابع بانک مرکزی، به نقض مصونیت و توقیف اموال آن مبادرت می‌کند. در حقوق بین‌الملل، اجبار به انقیاد اداره یک کشور مستقل در جهت منافع کشورهای دیگر ممنوع است (Lowe, 2005: p.734) و بنابراین، حقوق بین‌الملل تحمیل اجبار اقتصادی علیه هر دولتی را منع می‌کند، مگر اینکه این اقدامات اجباری به‌وسیله ارگان‌های صلاحیت‌دار سازمان ملل متحد اتخاذ شود (Meghan, 2012: p.37) و موافق با منافع کلی جامعه جهانی، همان‌گونه که در سازمان ملل متحد تصریح شده است، باشد (Lillich, 1997: p.366). تحریم یا نقض مصونیت بانک مرکزی یک کشور یا توقیف اموال آن نیز در هیچ‌یک از اسناد سازمان ملل و مراجع قضایی بین‌المللی تجویز نشده است. از آنجایی که نقض مصونیت بانک مرکزی دخالت در امور اقتصادی کشورها نیز محسوب می‌شود، حقوق بین‌الملل این دخالت را ممنوع کرده است. نقض مصونیت بانک مرکزی و توقیف اموال آن نیز با توجه به اینکه مداخله در امور داخلی کشورها محسوب می‌گردد و براساس حقوق بین‌الملل، آمریکا صلاحیت انجام آن را ندارد، نامشروع تلقی می‌شود.^۱ توقیف اموال بانک مرکزی به‌مثابه تروریسم اقتصادی نیز مداخله در امور داخلی کشورها می‌باشد که اقتصاد و امور مالی کشور را تحت تأثیر شدید خود قرار داده و مشکلات و چالش‌های متعددی را بر مردم آن کشور تحمیل می‌کند.

1. Case Concerning Military and paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua V. Unites States), ICJ Report 1986, Para 202.

۶. قوانین برون مرزی برای توقیف دارایی کشورها، زمینه‌ای برای تروریسم اقتصادی

امروزه قوانین برون مرزی ایالات متحده آمریکا، این اجازه را به دولت این کشور می‌دهد که مبادرت به توقیف اموال سایر دولت‌ها در بانک‌های این کشور نماید و موجب نقض مصونیت این اموال دولتی گردد که همین امر موجب طرح موضوع تروریسم اقتصادی در این زمینه می‌گردد. باید توجه داشت که این اعمال، تعارض جدی با قوانین مذکور و قوانین سایر کشورها دارد. همچنین اعمال قوانین برون مرزی به دلیل ابتدای بر موضع قدرت، اساساً ضددموکراتیک می‌باشد (Gibney, 1996: p.306). از سوی دیگر و براساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، کشورها حق استفاده از قوانین داخلی در بیرون از مرزها را ندارند. بنابراین، توقیف اموال بانک مرکزی و نقض مصونیت آن براساس قوانین داخلی آمریکا و آرای دادگاه‌های این کشور، نقض حاکمیت و استقلال کشورها تلقی می‌شود و می‌توان قوانین برون مرزی و دخالت از این طریق در امور داخلی کشورها را از مصادیق تروریسم اقتصادی دانست.

۷. نقض مصونیت بانک مرکزی و اعمال صلاحیت بر قلمرو کشورهای دیگر

صلاحیت به معنی اختیار دولت مبنی بر تنظیم امور براساس قوانین خود می‌باشد. در واقع، اعمال صلاحیت به معنای نوعی اعمال حاکمیت است. همچنین دیوان در این رأی بیان می‌کند: «حقوق بین‌الملل بر روابط میان دول مستقل حاکم است. بنابراین قواعد حقوقی الزام‌آور برای دولت‌ها، ناشی از اراده آزاد خود آن‌هاست که به منظور تنظیم روابط میان این جوامع مستقل و یا نیل به اهداف مشترک، در کنوانسیون‌ها یا عادات کلی قبول شده‌اند. بنابراین محدودیت نسبت به استقلال کشورها نمی‌تواند مفروض تلقی شود» (Lotus, P.C.I.J. Series A, No, 10, para 18).

با توجه به مطالب فوق، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا بانک مرکزی نماد حاکمیت یک کشور محسوب نمی‌شود؟ اگر پاسخ مثبت باشد، آیا اعمال صلاحیت و توقیف اموال این بانک در حقوق بین‌الملل مشروع است؟ واضح و روشن می‌باشد که بانک مرکزی به‌عنوان یکی از نمادهای حاکمیت مطرح است و کشورها براساس حقوق بین‌الملل باید به حاکمیت و استقلال دیگر کشورها احترام بگذارند. در نتیجه، اعمال صلاحیت و توقیف اموال این بانک از طریق دادگاه‌های داخلی، امری نامشروع در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، چرا که بانک مرکزی وابستگی عمیقی به کشورها داشته و در صلاحیت کشور تابع قرار دارد. نتیجه منطقی این اظهارنظر دیوان، این است که صلاحیت به‌عنوان یک ویژگی مهم حاکمیت، نه تنها مستلزم محدودیت دولت‌ها در اعمال حاکمیت در قلمرو داخلی خود می‌باشد، بلکه

مؤکد این نکته مهم نیز است که کشورها مکلف‌اند ضمن احترام و رعایت صلاحیت سرزمینی دیگر کشورها، از اعمال فعالیت‌ها و تصمیماتی که معارض و مغایر با این اصل پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل عمومی هستند، خودداری کنند.

اما تجاوز ایالات متحده آمریکا، به این اصل ختم نمی‌شود، بلکه این کشور تفسیر دیگری از اصل صلاحیت و حاکمیت کشورها دارد، به طوری که هر جایی منافع آمریکا در میان باشد، این کشور نیز صلاحیت دارد. برای مثال، در پرونده مشهور «تیمبرلین»^۱ در سال ۱۹۷۶، معیار «توازن و تعادل منافع ایالات متحده در مقابل کشورهای دیگر» مطرح شد. همان‌طور که مشخص است این معیار، تحمیل تعهدات بر شرکت‌های خارجی را مغایر با حقوق بین‌الملل، مجاز می‌کند (Stern, 2000: p.16). بنابراین، تجاوز از اصل صلاحیت و تحمیل آن بر شرکت‌های خارجی همچون بانک‌های خارجی و توقیف اموال آن‌ها، از نظر حقوق بین‌الملل نیز نامشروع تلقی می‌شود. از آنجا که این اعمال صلاحیت، آثار خطرناکی بر حیات انسانی و نقض حقوق اساسی افراد دارد و چون هدف آن وادار کردن یک دولت بر اجرای اهداف تعیین‌شده است، لذا، می‌توان آن را به‌عنوان تروریسم اقتصادی تلقی نمود.

۸. نقض مصونیت بانک مرکزی و تروریسم اقتصادی، ناقض مقررات منشور ملل متحد

توقیف اموال بانک مرکزی به‌عنوان یکی از مصادیق تروریسم اقتصادی، می‌تواند ناقض اصول و اهداف منشور ملل متحد نیز باشد. بنابراین، تروریسم اقتصادی از طرق مختلف همچون تحریم‌های یک‌جانبه، بلوکه کردن اموال کشورها، نقض مصونیت اموال دولت‌ها و غیره، دخالت در امور داخلی کشورها محسوب شده و ناقض اصول و مقررات منشور ملل متحد می‌باشد. تروریسم اقتصادی علاوه بر اهداف آشکار و اعلام شده خود، اهدافی پنهان را نیز دنبال می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به تلاش برای تغییر رژیم سیاسی کشور هدف از طریق اعمال فشار اقتصادی، اشاره کرد.

۹. نقض مصونیت بانک مرکزی و تروریسم اقتصادی، ناقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل اقتصادی

امروزه توسعه اقتصادی کشورها حقی بین‌المللی را تحت عنوان «حق تجارت» تثبیت کرده است و دولت‌ها موظف‌اند از توسل به هر نوع اقدامی که با همکاری‌های بین‌المللی مغایر است، خودداری کنند.

علت اصلی روابط تجاری بین ملت‌ها، وابستگی آن‌ها به یکدیگر در عرصه روابط اقتصادی است. برقراری روابط تجاری می‌تواند عامل فوق‌العاده مؤثری در جهت پیشرفت حقوق بین‌الملل و تضمین آن باشد و عملاً مشکلات ناشی از فقدان ضمانت اجرا را در حقوق بین‌الملل برطرف کند. حفظ صلح جهانی ایجاب می‌کند که دولت‌ها از اقدامات لازم به منظور جلوگیری از قطع روابط تجاری که می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد، غافل نباشند.

۱۰. نتیجه‌گیری

دولت‌ها برای ساماندهی به روابط بین‌المللی خود از طریق نهادهای اصلی مالی خود، یعنی بانک مرکزی اقدام می‌کنند. این عمل موجب می‌شود بانک‌ها بخشی از دارایی‌های ارزی خود را نزد بانک‌های مرکزی مهم جهان نظیر فدرال رزرو قرار دهند تا تراکنش‌های مالی خود را تسهیل نمایند. در کنار فرصتی که این عمل ایجاد می‌کند، امکان ایجاد فشار و کنترل منابع مالی سایر کشورها را در اختیار قدرت‌های بزرگ اقتصادی قرار می‌دهد. سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا از نیاز ارتباط مالی کشور ایران (از طریق بانک مرکزی خود)، موجب سلب مصونیت اموال دولت ایران می‌شود که در نتیجه، نقض ارائه هرگونه خدمات به مردم و شهروندان و طرف‌های مراوده مالی با ایران را در پی دارد (تحریم بانک مرکزی). بنابراین دولت نمی‌تواند حقوق اقتصادی مردم را به‌طور کامل ایفا کند. اعمال قانون مصونیت اموال دولتی در حقوق آمریکا بر ایران از این جنبه تأثیر بسیار منفی داشته است؛ زیرا افزایش تورم، رکود و تضعیف امنیت اقتصادی، موجب فشار زیادی بر طبقه متوسط شده که می‌توانند مطالبه‌گر اصلی حقوق بشر باشند. همچنین نقض مصونیت بانک مرکزی و اموال دولتی، مداخله آشکار در امور داخلی و خارجی کشورها و ناقض بند ۷ ماده ۲ منشور است. در نتیجه این نقض، دولت از انجام وظایف و تکالیف خود ناتوان می‌گردد. از موضوعات مهم تلاش برای آسیب ندیدن شهروندان و عدم نقض امنیت اقتصادی، جلوگیری از ناهنجاری‌های حقوقی است. بنابراین، سلب مصونیت اموال دولتی، در ناتوانی و ناکارآمدی دولت در تحقق امنیت اقتصادی مؤثر می‌باشد. همه این موارد را می‌توان به‌عنوان تروریسم اقتصادی در نظام بین‌الملل به اثبات رساند. نقض مصونیت بانک مرکزی را می‌توان از مؤلفه‌های نقض حاکمیت اقتصادی کشورها به‌شمار آورد. در تروریسم اقتصادی به‌طور ویژه شاهد نقض حاکمیت اقتصادی دولت‌ها هستیم. حاکمیت اقتصادی يك دولت عبارت است از اقتداری که به موجب آن، دولت‌ها روابط اقتصادی داخلی و خارجی خود را انجام می‌دهند. حاکمیت اقتصادی از ویژگی برابری و استقلال برخوردار است و

تمام دولت‌ها از این جهت با یکدیگر تساوی دارند و هیچ دولتی را بر دیگری تفوقی نیست. حاکمیت بر اموال، از اصلی‌ترین پایه‌های حاکمیت اقتصادی است و از این‌رو، اثبات این اصل به معنای به رسمیت شناختن حاکمیت اقتصادی برای دولت‌هاست؛ زیرا در غیر این صورت، دولت‌ها قدرت در اختیار داشتن سرنوشت اقتصادی خود را ندارند. حفظ عدالت، احترام به حقوق بشر، عدم تمایز بین ملت‌ها و دولت‌ها در آزادی‌های اساسی، برابری حاکمیت دولت‌ها، ارتقای شرایط اقتصادی دولت‌ها و همکاری بین‌المللی از اموری است که یا از اهداف تأسیس سازمان ملل است و یا اصلی است که سازمان ملل براساس آن فعالیت‌های خود را تنظیم خواهد کرد و یا مقرراتی است که ملل متحد به انجام آن متعهد شده‌اند. اگر دولت‌ها بر اموال خود حاکمیت نداشته باشند، اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها که پایه فعالیت‌های سازمان ملل است، مخدوش می‌گردد. بنابراین تساوی و برابری دولت‌ها، معنایی جز حاکمیت آن‌ها بر اموال و سرنوشت خویش ندارد و هر آنچه این حاکمیت را مخدوش کند، یکی از اصول زیربنایی فعالیت‌های سازمان ملل را هدف قرار داده و آن را نقض کرده است. لازمه توسعه اقتصادی دولت‌ها و ارتقای سطح زندگی ملت‌ها، در دست داشتن سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان و حاکمیت بر اموال و ثروت‌های عمومی است. از این‌رو، هرچند در منشور سازمان ملل متحد به حاکمیت اقتصادی دولت‌ها تصریحی نشده است، اما روح منشور و اهداف و اصول آن جز با این حاکمیت سازگار نیست.

منابع

- پلینو، جک سی؛ آلتون، روی (۱۳۸۵). *فرهنگ روابط بین‌الملل*. ترجمه حسن پستا. تهران: فرهنگ معاصر.
- جزایری، سید مسعود (۱۳۹۲). *دشمن خود را بشناس*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دردریان، جیمز و همکاران (۱۳۹۲). *تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، گفت‌وگو و حقوق*. گردآوری و ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- روفن، کریستف (۱۳۹۱). *نظم نوین جهانی امپراطور و بربری‌های جدید*. تهران: نشر قومس.
- Asiedu-Akrofi, D. (1990). *Central Bank Immunity and the Inadequacy of the Restrictive Immunity Approach*. In: Canadian Yearbook of International Law. Published online by Cambridge University Press: P.263-307.
- Gaukrodger, D. (2010). *Foreign state immunity and foreign government-controlled investors*. OECD Working Papers on International Investment.
- DOI:** <http://dx.doi.org/10.1787/5km91p0ksqs7-en>.
- Gibney, M.P. (1996). The Extraterritorial Application of U.S. Law: The Perversion of Democratic Governance, the Reversal of Institutional Roles, and the Imperative of Establishing Normative Principles. *Boston College Int'l and Compa. Law Rev*, Vol. XIX, No. 2.
- Grandaubert, V. (2016). *Is there a place for sovereign immunity in the fight against terrorism?* The US Supreme Court says 'no' in Bank Markazi V. Peterson. Available at: <http://www.ejiltalk.org/is-there-a-place-for-sovereign-immunity-in-the-fight-against-terrorism-the-ussupreme-court-says-no-in-bank-markazi-v-peterson/>.
- Hahn, A. (2014). *State immunity and veil piercing in the age of sovereign wealth funds (2012)*. *Revue Suisse de Droit des Affaires et du Marche Financier*: P.103-107 (Switz.). D. March, "Dangers of central banks, public investments", USA Today.
- Harlow, C. (1980). Public and Private Law: Definition without a Distinction. *Model Law Review*, 43(3).
- Lillich, R.B. (1997). *The Status of Economic Coercion Under International Law: United Nations*, 12 Texas Int'l L.1.
- Lowe, A.V. (2005). *The Problems of Extraterritorial Jurisdiction: Economic Sovereignty and The Search for a Solution*, 34 ICLO.
- Meghan, Mc.C. (2012). *Unilateral Sanctions with a Twist: The Iran and Libya Sanctions Act 1996*, 13 Am. U Int'l L.J.1.
- Patrikis, E.T. (1982). *Foreign Central Bank Property: Immunity from Attachment in the United*

States. University of Illinois Law Review, Vol.1.

Tejera, V.J. (2016). The US Law Regime of Sovereign Immunity and the Sovereign Wealth Funds.

University of Miami Business Law Review, No.1.